



در گفت و گو با مدیر مؤسسه فرهنگی موعود مطرح شد

نشانه‌های آخر الزمان و ظهور در قرآن کریم

گفت و گو: رمضانعلی ابراهیمزاده گر جی

بخش دوم و پایانی

اشاره

گفت و گویی که می‌خوانید، با اسماعیل شفیعی سروسناتی، مدیر «مؤسسه فرهنگی موعود» انجام گرفت. موضوع گفت و گو، فعالیت این مؤسسه در حوزه مهدویت، چگونگی مشخص شدن ارتباط آیات مبارک قرآن کریم با آخر الزمان و ظهور حضرت حجت قائم آل محمد (عج) و چگونگی دریافت ارتباط آياتی از قرآن کریم با وضعیت آخر الزمان و نیز بیان کاستی‌های عصر ما در حوزه فرهنگ مهدویت است. بخش اول این گفت و گو را در شماره قبل مطالعه کردید و در این شماره، بخش دوم و پایانی این گفت و گو را می‌خوانیم:

● خوب است برخی از مشخصاتی را که در قرآن کریم در ارتباط با موضوع آخر الزمان و مهدویت آمده است، بیان کنید. ○ یادآور می‌شوم که وقتی می‌توان این ارتباط را دریافت که به

روایات معصومین (ع) و تأویلی که از آیات مورد نظر کرده‌اند، توجه داشت. یکی از آیات، آیه ۸۶ سوره هود است: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین (آن چه خداوند برای شما باقی گذارده بهتر است، اگر ایمان داشته باشید.» هم‌چنین آن‌جا که در قرآن، ابلیس یا شیطان از خداوند مهلت می‌خواهد و خداوند او را تا «یوم الوقت المعلوم» فرصت می‌دهد [حجر/۳۸-۳۶]. ● لطفاً روایات مورد نظرتان را بیان کنید، زیرا می‌توان برداشت و تفسیر دیگری هم داشت.

○ ایمان به غیبی که در سوره بقره آمده است: «الم، ذلک الکتاب لاریب فیہ هدی للمتقین، الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوه و مما رزقناهم ینفقون» [آیات ۲ و ۳]. (الف، لام، میم، این است کتابی که در حقانیت آن هیچ تردیدی نیست و مایه هدایت

وقتی
یکی از القاب مبارک
امام عصر (عج) بر زبان جاری
می‌شود، چرا بر می‌خیزیم؟ می‌ایستیم
تا بگوییم ما ایستاده‌ایم. وقتی تقریباً در
کل نظام آموزشی، دانش‌آموز و دانشجو
در حد یک واحد درسی معرفت پیدا
نمی‌کند، لذا برای امام نمی‌ایستد،
اما برای غیر امام و مثلاً برای
مدرنیت‌نمی‌ایستد

- در سوره نحل آیه ۱، وعده داده شده است که «امر خدا می‌رسد»: «اتی امر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عما یشرون»
فرمان خدا در رسید، دیگر خواهان شتاب در آن مباشید، او پاک است و از آن چه با او شریک می‌گیرند برتر است.
«امام صادق (ع) فرمودند:

نخستین کسی که با قائم (ع) بیعت می‌کند، جبرئیل است که به صورت

پرنده سفیدی نازل می‌شود و با آن حضرت بیعت می‌کند. سپس یک پای بر بیت الله الحرام و پای دیگر بر بیت المقدس می‌گذارد، آن‌گاه با صدای فصیح و بلیغی که همه خلائق می‌شنوند، فریاد خواهد زد: «امر الهی آمد» [شیخ صدوق، ج ۲، ص ۱۶۷].

- امام کاظم (ع) فرمودند: از پدرم درباره این آیه: «قل کل مرتبصا فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوی و من اهتدی» [طه/ ۱۳۵] بگو همه به انتظار آینده‌اند، شما نیز در انتظار باشید، دیری نگذرد که بدانید آنان که اهل راه راست و اهل هدایتند کیانند. پرسیدم، فرمودند: صراط، همان حضرت قائم (ع) است و هدایت‌یافته هر کسی است که به طاعت او هدایت شده و مانند این است در کتاب خدای عزوجل آیه: و انی لغفار لمن تاب و ءامن و عمل صالحاً ثم اهتدی [طه/ ۸۲] «و به راستی که من بر کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، و سپس هدایت شود، بسیار آمرزنده‌ام» و ادامه دادند: یعنی به سوی ولایت‌مان هدایت شود» [ابی‌العباس ابن‌ماهیاری، تأویل الآیات الظاهره، ص ۳۲۳].

و آیات همراه با روایات متعدد دیگر که می‌توانید به کتاب «موعود قرآن» رجوع کنید.

● نکته مشهور و معروف در جامعه که برگرفته از روایت معصوم (ع) است، این است که قائم آل محمد (ص) وقتی ظهور می‌کند که دنیا پر از ظلم و جور شده باشد. با ظهور آن حضرت (عج)، دنیا پر از عدل و داد می‌شود. می‌دانیم که از این روایت برداشت‌های منفی می‌شود که تبعات خاص خود را دارد و نتایج منفی آن را در عرصه سیاسی و اجتماعی شاهد بوده‌ایم؛ در حالی که از مفاهیم کلیدی و از وعده‌های اصلی قرآن کریم، استقرار عدالت است و عدل هم‌پای امامت، از اصول مذهب تشیع به‌شمار می‌رود. در این مورد توضیحی بفرمایید.

○ مملو شدن زمین از ظلم و جور و بعد مملو شدن از عدل و داد با ظهور آقا امام زمان (عج)، اشاره دارد به روایت زیبای حضرت نبی اکرم (ص)، پیامبر اکرم (ص) که بیشترین گفتار را درباره ظهور و آخرالزمان دارند. همین روایت هم ابتدا از طرف رسول‌الله (ص) بیان شد. متأسفانه افراد و گروه‌هایی، از این روایت دریافت غلط

تقوای پیشگان است. آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز به پا می‌دارند و از آن چه به ایشان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

از امام صادق (ع) درباره این آیه پرسیدند، حضرت پاسخ دادند: «متقیان، شیعیان علی (ع) اند و غیب همان حجت [غایب] است و شاهد آن فرموده خدای تعالی است: و (کافران) گویند، چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ پس بگو همانا غیب مخصوص خداست، پس منتظر باشید که ما نیز از منتظرانیم [یونس/ ۲۰]. [شیخ صدوق،

محمد بن علی بن الحسین، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲: ۳۴۰].
- نشانه دیگر، ارتباط دائمی با امام معصوم است: «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون» [آل عمران/ ۲۰۰]: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهداری کنید و از خدا پروا کنید، امید است که رستگار شوید.

نعمانی در کتاب «الغیبه» (ص ۱۰۵) روایت زیر را از امام محمدباقر (ع) درباره این آیه نقل می‌کند: «صبر کنید بر ادای فرایض و با دشمنان پایداری کنید و با امامتان [که انتظارش را می‌کشید] مرابطه نمایید.»

مرباطه با امام (ع)، یعنی خود را به رشته ولایت او بستن و بر خدمت و پیروی و یاری او گردن نهادن که یکی از ارکان ایمان است.

- نشانی دیگر، در سوره یونس (آیه ۳۵) آمده است: «قل هل من شرککم من ینهدی الی الحق قل الله ینهدی للحق افمن ینهدی الی الحق احق ان یتبع امن لایهدی الا ان ینهدی فمالکم تحکمون».

بگو آیا در میان آن شرکاتنان کسی هست که به سوی حق رهنمون شود؟ بگو خداست آن که به حق رهنمون می‌شود، آیا آن کس که به حق رهنمون می‌شود سزاوارتر است که پیروی شود یا آن کسی که تا خود راهنمایی نشود راه به جایی نمی‌برد؟ حال شما را چه شده؟ چسان حکم می‌کنید؟

به امام صادق (ع) عرضه داشتند: «مخالفتان ما را توبیخ و سرزنش می‌کنند و دروغ‌گو می‌شمارند از برای این که می‌گوییم دو صبحه خواهد بود.»

آن‌ها می‌گویند: «از کجا معلوم خواهد شد که کدام حقیقت است و کدام باطل؟»

حضرت (ع) پرسیدند: «در پاسخ آن‌ها چه می‌گویید؟»
عرض کردند: «چیزی در رد آن نمی‌گوییم.»
فرمودند: «بگویید کسی که بیشتر به آن ایمان داشته است، آن را تصدیق خواهد کرد.»

سپس حضرت همین آیه ۳۵ سوره یونس را تلاوت کرد [شیخ کلینی، ص ۲۰۸].

دارند. این روایت یک خبر غیبی است. زمانی که بشر در اثر دوری جستن از حقایق، مبتلای ظلم و جور و مبتلای به بی‌عدالتی می‌شود، در آن وضعیت بیشتر متذکر و متوجه باشید که امام عصر و عدل شما خواهد آمد. استفاده نادرست و سوء برداشت از این روایت، سبب شد تا گمان کنند این خبر بیان شرطی برای ظهور است، در حالی که بیان یک خبر واقعی در آینده است که حادث می‌شود. لذا برخی مجامع-دانشسته یا ندانسته-از آن سوءاستفاده کرده‌اند.

البته نکته لطیفی هم وجود دارد که مملو شدن جهان از ظلم و جور، شاید بیان عمومی شدن ظلم و جور باشد. بدین صورت که عموم مردم دانشسته یا ندانسته بدان مبتلا می‌شوند.

● به عبارتی به عرف تبدیل می‌شود.

○ بله. تبدیل به عرف می‌شود. سخن زیبایی امام علی (ع) دارند که می‌فرمایند: هر یک از شما اگر با جاهلیت مرسوم به سوی امام زمان (ع) بروید، فرقی میان شما با جاهلان دوران بعثت نیست که به استقبال رسول خدا (ص) رفتند. اشاره به «جاهلیت مرسوم»، همان جاهلیت فرهنگی و تمدنی است. به قول جناب عالی، جاهلیتی که به عرف، یعنی به فرهنگ زمان تبدیل شده است.

گاهی فردی از جنبه حقوقی و در روابط

اجتماعی مبتلا به ظلم می‌شود و حقی را از حق دار دریغ می‌کند. اما روزگاری می‌رسد که وقتی به شهر نگاه می‌کنید، معماری آن شهر، وقتی به خانه‌اش نگاه می‌کنید، معماری آن خانه، وقتی به لباسش نگاه می‌کنید، شکل آن پوشش، از صفت پاک، از صفت تعادل خارج شده و فرهنگی را صفت کرده‌اند. اگر درباره این وضعیت از هر کس بپرسید، شاید در نیابد و درک نکند که در سطح شهر چه ظلمی جاری است. لذا

جاهلیت مرسوم، ظلم و بی‌عدالتی جاری در حوزه فرهنگی و تمدنی است تا آن حد که مردم مبتلا به ظلم و بی‌عدالتی، از این آفت سردر نمی‌آورند. در این صورت هم جهان مملو از ظلم و جور شده است.

در عرف عمومی مردم فکر می‌کنند که ظلم و جور این است که یکی شلاق به دست بگیرد و به سر و تن دیگران بزند، در حالی که شاهدیم امروز تمامیت فرهنگ و تمدن مردم جهان لبالب از ظلم است یا پر از جاهلیت مرسوم است که در بیان امام معصوم (ع) آمده است.

● با توجه به آیه ۵ سوره قصص، «و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» که مستضعفان وارثان زمین می‌شوند، این گروه در آخر الزمان چه جایگاهی پیدا می‌کنند؟

○ امام، امام مستضعفین است. مصداق کامل مستضعف خود امام

معصوم (ع) است که در استضعاف نگه داشته شده است. خود غیبت، رسانای این مفهوم است که امام عصر (عج) امکان حضور در میان مردم و اعمال ولایت را ندارند. «ولی الله» است، اما ولی الهی که ميسو طالید نیست. زیرا مردم آماده برای این کار نیستند. در اثر ظهور، با وضعیتی که فراهم می‌آید و پرده غیبت کنار می‌رود، ولی الله الاعظم امکان ولایت می‌یابد.

امکان ولایت یافتن، یعنی برطرف شدن استضعاف. آن وقت چه کسانی با ایشان هستند؟ مستضعفان. به چه جایگاهی می‌رسند؟ حاکمیت در زمین ذیل دولت و پرچم امام معصوم (ع). ۳۱۳ نفری که روز اول ظهور با امام عصر (عج) بیعت می‌کنند، به عنوان حاکمان امام در نقاط گوناگون جهان منصوب می‌شوند و تحت امر مستقیم امام معصوم (ع) عمل می‌کنند. لذا اینان نیز از استضعاف خارج می‌شوند؛ بعد هم مستضعفان.

- اصولاً شیعیان در این رده قابل شناسایی‌اند. از عسرت و تنگی خارج می‌شوند و حاکمیت می‌یابند و این حاکمیت همراه است با اجرای تمام احکام و فرمان‌های خداوند در قرآن. و امام معصوم (ع)، عدالت را تسری می‌دهد و بقا و دوام دولت عادل را با دفع دولت ظالم و جاهل تضمین می‌کند.

● با توجه به این مورد که مؤسسه فرهنگی

موجود در زمینه‌های مورد نیاز نوجوانان و جوانان هم فعالیت دارد، آیا آیات و روایات مرتبط با ظهور حضرت حجت (عج) را به زبان خاص این گروه هم به فارسی ترجمه کرده‌اید؟

○ کتاب «موعود قرآن» از مجموعه ۱۶ جلدی چند مشخصه دارد: ۱. روایاتی که ممکن است ایجاد مجادله کنند و نقیض نما هستند، حذف شده‌اند و مطمئن‌ترین روایات و با روشن‌ترین مفهوم انتخاب شده‌اند.

۲. در آن ارتباط، توالی و پیوستاری موضوع و مباحث حفظ شده است، لذا اگر جوان و نوجوانی آن را بخواند، از آغاز تا پایان، زنجیره مطالب از دستش خارج نمی‌شود.

۳. با زبان و ادبیات روز ترجمه شده است. ادبیات سخت در آن راه ندارد.

● درباره وضعیت آموزش مهدویت در آموزش و پرورش چه نظری دارید؟

○ به بیان نبی اکرم (ص) که بعد از ایشان امام علی (ع) و دیگر معصومان (ع) نیز بیان کرده‌اند، کسی که امام معصوم (ع) زمان خود را به‌جا نیاورده باشد (نشناخته باشد) و بمیرد، مرگش، مرگ جاهلی است. لذا وقتی این حکم صریح وجود دارد که عدم معرفت به امام معصوم (ع) برابر است با روی گردانی و چشم‌پوشی از امام و بعد ابتلا به جهالت، باید این پرسش را مطرح کرد که جایگاه کتاب درسی و نظام آموزش و پرورش در برابر این تکلیف بسیار

قبل از ورود به سال ۲۰۰۰م، در آمریکا ۲۵۷ واحد دانشگاه و کالج با موضوع تخصصی آخر الزمان و منجی‌گرایی وجود داشت و حدود ۱۵۵۰ شبکه رادیویی و ایستگاه تلویزیونی برای این کار فعال بود. در مقابل، در کل دانشگاه‌های جهان اسلام و از جمله ایران، حتی دو واحد درس اختیاری در این موضوع نداریم

مهم چیست؟

با اتفاقی روبه‌رو هستیم؛ در کتاب‌های درسی آموزش و پرورش، در رسانه‌های ارتباط جمعی، حتی در صدا و سیما و در دانشگاه‌ها جایی برای معرفت به امام دیده نشده است. اصل غفلتی است که گرفتار آن شده‌اند. سخن بنده که به فاصله ما و غرب اشاره کردم، ناظر بر اطلاعاتی بود که بیان داشتم. قبل از ورود به سال ۲۰۰۰م، در آمریکا ۲۵۷ واحد دانشگاه و کالج با موضوع تخصصی آخرالزمان و منجی‌گرایی وجود داشت و حدود ۱۵۵۰ شبکه رادیویی و ایستگاه تلویزیونی برای این کار فعال بود. در مقابل، در کل دانشگاه‌های جهان اسلام و از جمله ایران، حتی دو واحد درس اختیاری در این موضوع نداریم! تا بخواهیم دانشگاه تخصصی داشته باشیم. با این وضع معلوم است چه اتفاقی‌هایی می‌افتد؛

الف) همان فاصله ۵۰ ساله حفظ می‌شود.

ب) فوج فوج مردم به سینه خاک سپرده می‌شوند، بدون این که به امام زمان خود معرفت داشته باشند.

ج) تبعات این بی‌معرفتی را در مناسبات فردی و اجتماعی می‌بینیم که تاریکی و آلودگی است.

به قطع و یقین بدانید از تمام وزیران و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش در ۳۰ سال گذشته، در وقت ظهور، در قبر، در پای صراط و میزان می‌پرسند، در زمانی که ریاست و حق امضا داشتید، برای نشر معارف مربوط به «امام حجتی» چه کردید؟ بنده به عنوان معلمی ساده این نکته را عرض می‌کنم و تردیدی در آن ندارم. کتاب‌های درسی مدارس کشور از اول دبستان تا پایان متوسطه و در همه رشته‌ها، حاوی چیزی قریب به ۲۰ تا ۲۵ صفحه مطلب با رویکرد آخرالزمان، امام زمان (عج) و منجی‌گرایی است. این حجم از مطالب هم نخ نما هستند؛ غیبت کبری، غیبت صغری، ان‌شاءالله امام (عج) می‌آیند که ربطی به مناسبات و زندگی روزمره دانش‌آموز ندارد.

● این مطالب هم معمولاً دید استدلالی به دانش‌آموزان نمی‌دهند. او فقط برای نمره امتحانی آن‌ها را می‌خواند و بعد هم از یادش می‌رود.

○ درست است. ضمن این که از رویه و سطح فرهنگ مهدوی می‌گذرد و دانش‌آموز متوجه امام و ضرورت داشتن معرفت به امام و ولایت امام نمی‌شود. این وضع کنونی است.

بنده بارها نزد وزیران آموزش و پرورش دوره‌های گوناگون



رفته و گفت‌وگو کرده‌ام. در جلسه‌های مدیران و رؤسای آموزش و پرورش شرکت کرده‌ام. برای تألیف کتاب‌های درسی تذکر داده‌ام و اعلام آمادگی هم کرده‌ام. فقط یکبار به این نتیجه رسیدند که کمیسیون ویژه‌ای تشکیل شود و برای احیای فرهنگ مهدویت در آموزش و پرورش تصمیم‌گیری شود، با این هدف که در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان، تربیت معلم و برنامه‌های ضمن خدمت معلمان، مباحث مربوط مطرح شود. اما نتوانستند به این موضوع اهتمام ورزند.

به عنوان فردی که ۳۳ سال معلمی کرده‌ام، عرض می‌کنم، این نقصان جدی پیامدهای ناخوشایندی خواهد داشت. این نقصان هم به دلیل نداشتن اهتمام عارض شده است و شاهدش خود بنده‌ام که به مسئولان آموزش و پرورش رجوع کردم، اما تاکنون هیچ تغییری برای رفع نقصان به وجود نیامده است.

● نتیجه‌اش به نشناختن امام زمان (عج) و این وضعیت اجتماعی می‌انجامد که به بخشی اشاره کردید و بخش دیگر را در عینیت روابط و مناسبات جامعه می‌بینیم.

○ چند نتیجه دارد:

اول، این گمان غلط در جوان ریشه می‌زند که دین و حضرات معصومین (ع)، از سوی خداوند رها شده‌اند.

دوم، آینده روشنی را پیش‌رویش نمی‌بینند. آینده برایش تیره است. به جای این که دین و امام مبین را در چشم‌انداز خود مشاهده کند، مرام‌ها و مکتب‌های الحادی و غیردینی را در دوردست می‌بیند که برایش جعل می‌کنند و به خوردش می‌دهند.

سوم، در کشاکش حوادث، برای خود دست‌گیری نمی‌بینند. در حالی که امام مبین می‌فرمایند، در هیچ دوره‌ای هیچ دیاری را رها نمی‌کند و هر کس در هر وقت با اضطرار شرایط بخواندش، می‌تواند جواب بگیرد. اما اکنون جوان خود را در حوادث و سختی‌ها تنها می‌بینند.

چهارم، به این دلیل که امام زمان (عج) را نمی‌شناسد، کارهایش را بدون نظارت می‌داند. در چنین حالتی، عنان گسیخته و رها در کوی و برزن عمل می‌کند.

پنجم، متوجه نمی‌شود برای زیستن در عرصه زمین، باید حجتی داشته باشد. حال آن که حجت حی و حاضر وجود دارد، اما او نه می‌داند حجتی هست و نه به سراغش می‌رود.

ششم و از همه مهم‌تر این که نوجوان و جوان با نوعی اندیشه آرمانی و آرمان‌گرایی، می‌خواهد انرژی‌اش را صرف حرکتی بزرگ می‌کند اما نمی‌داند که مهدویت به تمام معنی حامل این آرمان و معرف آن است و می‌تواند به نیازهای این گروه‌ها پاسخ دهد.

● قبل از انقلاب اسلامی و با عنایت به موقعیت آدم‌ها و وضعیت سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه، «انتظار، مذهب اعتراض» بود. اما در این دوره و با دگرگونی اوضاع، ابعاد متعدد انتظار باید برای همگان و به‌ویژه نسل جوان تشریح شود؛ آن هم با رویکرد به قرآن و روایات، به همراه عملکرد علما و انسان‌های

شاخص و الگو که نیاز ما، نیاز جامعه ما و نیاز جهان ماست. جوانان قبل از سال ۱۳۵۷، انتظار را به‌عنوان مذهب اعتراض پذیرفتند و به آن ایمان آوردند و حرکت کردند و سبب تغییر وضع شدند. ویژگی اعتراض برای شیعه همواره باقی است، اما اکنون باید بدانیم انتظار، مذهب سازندگی فردی و اجتماعی در ابعاد گوناگون است تا بدین صورت خود را و جامعه‌مان را برای ظهور حضرت حجت (عج) آماده کنیم.

○ فاجعه دیگری هم اتفاق می‌افتد. انسان‌ها چه کودک، چه جوان و چه پیر-متوجه تکلیف خود در برابر امام زمانشان نمی‌شوند. زیرا انسان که به حال خود رها نشده است. ما در برابر امام تکلیفی داریم و او حقی بر ما دارد. امام به عنوان «ولی‌الله» انجام وظیفه می‌کند و تا حدی که خداوند اذن فرموده و دست امام باز است، روزی رسان و حافظ مردم است. اما مردم تکلیف خود را نمی‌دانند تا ادای دین کنند.

انجام دادن تکلیف یعنی مسئول نگه داشتن خود در برابر امام. انجام ندادن تکلیف، سبب طولانی‌تر شدن دوران غیبت می‌شود. به این ترتیب، مردم دانسته و ندانسته در ظلم عصرشان شریک می‌شوند. برای کوتاه کردن و حتی رفع غیبت امام عصر (عج)، بر دوش ما تکلیفی نهاده‌اند. باید به سوی امام برویم، او را بخوانیم و برای ظهور دعوت کنیم.

وقتی یکی از القاب مبارک امام عصر (عج) بر زبان جاری می‌شود، چرا برمی‌خیزیم؟ می‌ایستیم تا بگوییم ما ایستاده‌ایم. وقتی تقریباً در کل نظام آموزشی، دانش‌آموز و دانشجو در حد یک واحد درسی معرفت پیدا نمی‌کند، لذا برای امام نمی‌ایستند، اما برای غیر امام و مثلاً برای مدرن‌نیت می‌ایستند. برای لیبرال سرمایه‌داری می‌ایستند، زیرا این اطلاعات را از همین دانشگاه‌ها گرفته است.

لذا تبعات چند وجهی این وضعیت این است که نمی‌توانیم جامعه را حفظ کنیم. باید برای هریک از دختران و پسران پاسپان بگذاریم. آن وقت می‌گوییم آمریکایی‌ها آمدند همه مردم را به کژروی عادت دادند یا انگلیسی‌ها دانش‌آموزان ما را منحرف کردند.

نمی‌خواهم بگویم تهاجم فرهنگی بی‌تأثیر است، اما خودمان برای سازندگی جامعه اقدامی نکرده‌ایم، پس باید توان بدهیم. از سخنان زیبای امام زمان (عج) است، می‌فرمایند: اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، به عهدی که با ما داشتند وفا می‌کردند، همانا فیض دیدار ما از آنان سلب نمی‌شد. یعنی عدم معرفت سبب می‌شود مردم عهد خود را با امام زمانشان نو نکنند و به بیان صریح امام زمان (عج)، وقتی عهد با امام (عج) نو نشود، فیض دیدار حاصل نمی‌شود و بدین ترتیب غیبت طولانی می‌شود.

در جایی هم می‌فرمایند: از ما دور نساخته است مردم را مگر آن چه می‌کنند ما از آن باخبریم و از آن ناخشنودیم. حال باید پرسید؛ چگونه باید اسباب خشنودی امام زمان (عج) را فراهم کرد؟!